

ادبیات ژانر و بازار کتاب ایران

جدید باشد و افکار و ایده‌هایی در آن نشان داده می‌شود که می‌تواند سنگ بستر پیشرفت‌هایی در چند سال دیگر شود.

عدم موفقیت ادبیات ژانر در ایران می‌تواند ریشه در خیلی از مسایلی که صحبت شد داشته باشد. برای نگارش باید درباره مخاطبان، نیاز جامعه، موقعیت فعلی، و هدفمان از نگارش این داستان و خلق مضامین‌اش بدانیم. شاید واقعا باید چشم‌ها را شست و جور دیگری به این مقولات نگاه کرد؛ با نگاهی که بتواند در عین زیبایی ما را با تخیل و تصور فوق‌العاده‌ای همراه کند. باید مخاطب‌شناس باشیم و بدانیم که چگونه می‌توانیم در این حوزه وارد رقابت شده و موفق بشویم. نویسنده این نوع از داستان‌ها باید با بهره‌مندی از فنون نویسندگی صاحب‌نگاهی عمیق به مسایل علمی و تخیلی باشد و اصول خلق یک دنیای فانتزی را بداند، مخاطب خودش را بشناسد، از رویه نگارش این ژانرها در دنیا مطلع، با تاریخ و شخصیت‌های خودمان آشنایی داشته و خلاق باشد. با این ابزار می‌توانیم در دنیای خلاق و بی‌حد و مرز این ژانرها وارد شده و حرفی برای گفتن داشته باشیم. تصور اینکه هفت خان رستم آمیخته با علم و تخیل سوار بر فانتزی خلاقیت و هنر شود و از دل آن داستان‌هایی جدید خلق و نگارش شود واقعا زیباست.

تجربه یا شناخت؟

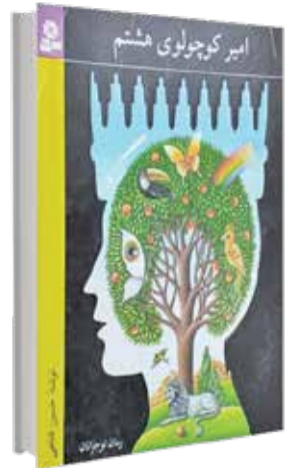
هر داستان نویس با الهام از تجربیات خود و یا دیگران و شناخت در حوزه‌های مختلف کاری و اطلاعاتی خود می‌تواند آثار مهمی را خلق کند. شناخت جامعه، مخاطب، نیاز امروز، دنیا و حوادث آن و خیلی از چیزهایی که می‌توانند به او در انتخاب هر نوع سبک و خلاقیت کمک کنند و تجربه‌هایش را صیقل دهند تا اثری نفیس را ارائه دهد، حائز اهمیت هستند. لازمه هر کاری شناخت است و گرنه سرانجام آن کار می‌تواند به ناکجا آباد بیانجامد و تجربه است که این شناخت‌ها را محک می‌زند. در هر امری وجود این دو می‌تواند بسیار مفید و پیشبرنده باشد. من معتقدم موفقیت در نگارش هر ژانری امکان‌پذیر است به شرط آنکه قواعد بازی را بلد باشیم و قوانین حاکم بر آن را به خوبی بشناسیم و بدانیم. عوامل مؤثر در موفقیت آن را بدانیم و از تجربیات دیگران بهره ببریم. واقعا بدانیم چه چیزی را دوست داریم، در چه نوع نگارشی تبحر داریم، چه منابعی را در دست داریم، چقدر از آن آگاه هستیم، برای چه کسانی می‌نویسیم و چرا می‌نویسیم؟ داستان را حس کنیم و با شخصیت‌هایش زندگی کنیم و خلق اثر را با جانمان شروع کنیم. ما موفق می‌شویم.

منبع: ایبنا

نوع ساختار و عملکرد فکری بشر همیشه به‌نوعی در پی رستگاری، بی‌نیازی مطلق، خداگونه و نامیرا شدن، غلبه بر مشکلات و این دست مسائل بوده است. پس بدیهی است که ژانرهای علمی تخیلی و فانتزی در بین جوامع مختلف از توجه بالایی برخوردار باشند که البته این هم می‌تواند تحت تاثیر خیلی از عوامل از جمله دین، مذهب و فرهنگ و روانشناسی اجتماعی آن جوامع قرار بگیرد. گاهی اوقات اگر این داستان‌ها با عقاید و باورهای جامعه‌ای در تضاد باشند پذیرش‌شان سخت خواهد بود. برای مثال، شاید در جامعه ما پرداختن به موضوعات خارق‌العاده و یا ماورائی خیلی طرفدار نداشته باشد و یا حتی با عقاید مادر تضاد باشد. در نتیجه، نگارش در این ژانرها و ورود به آنها گاهی اوقات نیاز به خلاقیت و نوآوری متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه ما دارد. باید در این زمینه جسورانه عمل کرد، با ایده‌هایی ناب از دل آب و خاک این مرز و بوم، با تاریخ‌جمعی که دارد و دل‌آوری‌های مردمانش، داستان‌های ماندگاری را خلق کرد چون ما منابع غنی برای پرداختن به این موضوعات داریم. ژانر پلیسی-جنایی همیشه به دلیل ایجاد حس کنجکاوی در ذهن از جذابیت‌های خاص خودش برخوردار است و از علاقه انسان به حل معما بسیار بهره برده است. از شرایط مؤثر دیگر، وضعیت اقتصادی اعم از توان تهیه این کتاب‌ها گرفته تا مشکلات اقتصادی ممکن است باعث شود هر نوع ژانری از اقبال کمتری برخوردار شود. گاهی استفاده از فناوری‌های نوین حتی در زمینه چاپ نیز می‌تواند نویسنده و خواننده را بر سر ذوق و شوق بیاورد.

آثار فاخر و ادبیات ژانر

به جز شاهنامه فردوسی آثار فاخر دیگری هم داریم که تلفیق آنها با ذوق و هنر و خلاقیت می‌تواند زمینه خلق آثاری جهانی در زمینه‌های مطرح شده باشد. ما شخصیت‌ها و ژانرهای علمی و فانتزی برای پرداختن به آنها کم نداریم و می‌توانیم با کمک تخیل و خلاقیت، آثار نفیسی در این حوزه را ارائه دهیم. در زمینه دل‌آوری‌های مردمان این مرز و بوم از رستم و سهراب گرفته تا سرداران و دل‌آوری‌هایشان کم نداریم اما فکر، ذوق و خلاقیت برای خلق آثاری فاخر محدود است. بسیاری از آثار ما به دلایلی در گنجه‌ها در حال خاک خوردن هستند و لازم است با دیدی نو به ارائه آنها به جامعه و دنیا نگاه کنیم. شاید با یک دیدگاه علمی تخیلی یا فانتزی به سوالات مهمی که ذهن بشر را به خود مشغول کرده پرداخته شود. باید تمام عوامل را در نظر گرفت و موشکافانه عمل کرد. برای مثال، گاهی نگارش یک ژانر علمی و تخیل می‌تواند مقدمه‌ای برای شروع یک عمر و دنیایی



امیرکوجولو در یک سفر پرخطر بدون مقصد، بدون نقشه

ریحانه عارف‌نژاد
خبرنگار

اصلاً یادم نیست امیرکوجولو از کی و کجا به کتابخانه من آمد. نمی‌دانم اولین بار کی خواندمش و چرا فرصت نشد تمامش کنم. اما خیلی شفاف و واضح، یادم مانده بود که امیرکوجولو سفر بزرگی در پیش داشت. نگران بود، اما نمی‌خواست تسلیم شود. می‌ترسید، ولی فکر برگشتن به خانه دلگرمش می‌کرد. اینها را یادم بود و همیشه می‌گفتم باید یک روز برگردم سراغش تا پایان کار امیرکوجولو را ببینم. بالاخره نوشتن یادداشت برای امیرکوجولو هشتم، بهانه خواندن دوباره‌اش شد و کتاب را از قفسه بیرون آوردم.

رسم، رسم است. در این مورد خاص، برای تغییر دادنش هم نمی‌توان هیچ کاری کرد و باید بی‌برو و برگرد انجام شود. همان‌طور که امیرهای گذشته پیش از امیرکوجولو هشتم این کار را انجام داده‌اند، او هم باید به این مأموریت برود تا شایستگی‌اش برای جانشینی پدر به همه اثبات شود. هیچ‌کس او را از پیش برای این کار آماده نکرده است و انجام دادنش دستورالعمل مشخصی هم ندارد. یک روز خیلی معمولی که امیرکوجولو با خدم و حشم در باغ قصر مشغول بازی است، به حضور پدرش -امیر بزرگ- احضار می‌شود. همه وزرا در یک مجلس دورهم جمع شده‌اند و معلوم است که موضوع بحث، بسیار مهم و حیاتی است، چون زمان به سرعت سپری شده و حالا بعد از چند سال، وقت سفر کردن امیرکوجولو رسیده است.

جریان این سفر مهم چیست؟ امیرکوجولو باید یک‌هفته و تنها، راهی جاده شود. هیچ‌کس به او کمک نخواهد کرد. نه نوکری با خود می‌برد، نه وسیله خاصی. نه مقصد معلوم است و نه نحوه رسیدن به آن. امیرکوجولو فقط می‌داند شرط برگشتن به خانه و کاشانه خودش، این است که دست‌تپا یک قصر تمام‌عیار بسازد. آن وقت است که می‌تواند سرش را بالا بگیرد، با افتخار به خانه برگردد و امیر بزرگ سرزمینش شود.

امیر هشتم به ناچار راه می‌افتد. تنها دارایی‌اش یک اسب و چند تکه الماس است که مادرش در آسترکلاه مخفی کرده و فروش‌شان بدون اتهام دزدی اصلاً کار راحتی نیست. امیر در مسیرش با افراد زیادی ملاقات می‌کند و سعی دارد دوستی‌هایی واقعی و ارزشمند برای خودش بسازد. در این راه ماجراهایی عجیب و گاه خطرناک انتظارش را می‌کشند. اصلاً این امیرکوجولو نازپرورده می‌تواند از عهده همه آنها بر بیاید، قصرش را بسازد و به خانه برگردد؟ در روزهای باقیمانده تابستان، همراهی امیرکوجولو در داستانی پرفراز و نشیب با فضایی کاملاً بومی و ایرانی می‌تواند تجربه سرگرم‌کننده‌ای برای نوجوانان بالای ده سال باشد.



امیرکوجولو باید یک‌هفته و تنها، راهی جاده شود. هیچ‌کس به او کمک نخواهد کرد. نه نوکری با خود می‌برد، نه وسیله خاصی. نه مقصد معلوم است و نه نحوه رسیدن به آن



گشت و گذار در سرزمین زیبایی‌ها! سفر غیررسمی به لبنان خارج از پروتکل‌های معمول

مهدیه جاهد
خبرنگار

خارج از پروتکل را ساجده ابراهیمی بعد از سفر یک هفته‌ای خود به لبنان نوشته است؛ سفری بدون دیدار با هیج مقام رسمی لبنانی، ناگهانی و بدون مقدمه. این کتاب سفرنامه‌ای است حاصل همراهی نویسنده با تشکل مردم نهاد طبیب سفر که گروهی از پزشکان بدون مرز هستند. ابراهیمی قلمش دوربینش را روی نکاتی از سفر متمرکز کرده که کتابش را متفاوت از باقی سفرنامه‌ها کرده است. در واقع وقتی خارج از پروتکل را به عنوان یک سفرنامه بخوانیم با قواعد و مدل سفرنامه‌های دیگری که خوانده‌ایم کمی متفاوت باشد. اینجا خبری از صحبت در مورد جزئیات مکان‌ها، خیابان‌ها، رنگ دیوارها، طعم و بوی غذاها یا معرفی نقاط گردشگری نیست. اینجا چندان قاطی آداب و سنن و رفتارهای خاص مردم بومی نمی‌شویم بلکه در این سفر با مفاهیم انتزاعی و سفرذهنی نویسنده همراه هستیم. لبنانی که به نقل از خود ابراهیمی در مقدمه کتاب برایش گره خورده با بسیاری از اشخاص و اتفاقات است. ابراهیمی در این کتاب در هر منطقه‌ای از لبنان که پا گذاشته وجهه‌ای از شخصیت‌های بزرگی که در آن مکان کار بزرگی کرده‌اند را یادآوری می‌کند. در واقع با خارج از پروتکل هم به کشوری دیگر سفر کرده‌ایم و هم شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذار ایرانی را که در لبنان حماسه‌های تکرار نشدنی آفریده‌اند، مرور می‌کنیم. ابراهیمی با اشراف کامل به خاطرات، اتفاقات و مکان‌ها در مورد آن صحبت کرده است و زوایایی از تاریخ را و تکه‌هایی از خاطرات را می‌گشاید که شاید رایج‌اش در طول زمان کمرنگ شده باشد اما درست در مکان و زمانی بموقع آن را بازگو می‌کند. چمران، امام موسی صدر، حاج احمد متوسلین جنبش امل، حزب‌الله و بسیاری دیگر. خود نویسنده نیز در معرفی کتاب دست روی همین افراد گذاشته است و لبنان را در ذهنش با همین افراد توصیف می‌کند. او با این کتاب لبنان را به عنوان پایگاهی که آرمانی را پرورش داده معرفی کرده است. طراحی جلد، طراحی متفاوت صفحات و قلم نویسنده از خارج از پروتکل کتابی خواندنی آفریده است. این کتاب را انتشارات سوره مهر به تازگی وارد دنیای نشر کرده است. ابراهیمی پیش از این سفرنامه، دو کتاب «هزارجان گرمی» و «فاقت را تمام کرد» را نوشته که کتاب دومی را نیز در همین شماره برایتان بررسی کرده‌ایم.



ابراهیمی در این کتاب در هر منطقه‌ای از لبنان که پا گذاشته و وجهه‌ای از شخصیت‌های بزرگی که در آن مکان کار بزرگی کرده‌اند را یادآوری می‌کند. در واقع با خارج از پروتکل هم به کشوری دیگر سفر کرده‌ایم و هم شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذار ایرانی را که در لبنان حماسه‌های تکرار نشدنی آفریده‌اند، مرور می‌کنیم



نویسنده داستان‌های علمی تخیلی باید صاحب‌نگاهی عمیق به مسایل علمی و تخیلی باشد و اصول خلق یک دنیای فانتزی را بداند، مخاطب خودش را بشناسد، از رویه نگارش این ژانرها در دنیا مطلع و با تاریخ و شخصیت‌های خودمان آشنایی داشته باشد

